



مجیدی صمدی

پژوهشگر فرهنگ و جامعه آمریکایی، روزنامه نگار و تحلیلگر
سردبیر ماهنامه آمریکاشناسی و مسئول اندیشکده مطالعات آمریکا

سرمقاله

چارچوب بندی ذهن آمریکایی شگردهای پنهان برای مدیریت یک امپراتوری در حال افول

آغاز دی ماه ۱۳۹۸ (ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی) مصادف با رویدادی شد که خود، می تواند زمینه تحلیل و بررسی های بسیاری در راستای افول امپراتوری آمریکا را ایجاد نماید که آن، ترور سردار شهید قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از سوی دولت ایالات متحده آمریکا بود. جدا از تمامی علت پژوهی های صورت گرفته پیرامون این اقدام تروریستی از سوی دولت آمریکا و شخص دونالد ترامپ که شخصاً مسئولیت این ترور را برعهده گرفته است، به شکل ویژه ای می توان آن را در مسیر افول آمریکا و تلاش های این کشور برای فرار از شکست های متعدد در منطقه خاورمیانه تحلیل کرد. در سوی دیگر ماجرا، یکی از زمینه های این ترور، اعلام جرم علیه رئیس جمهور آمریکا از سوی کنگره، یکی از مسائلی بود که فضای رسانه ای گسترده ای را

هم زمان به خود اختصاص داده است؛ و برای ترامپ نیز-که به عنوان سومین رئیس جمهور در طول تاریخ آمریکا در مسیر این اعلام جرم قرار می گیرد- شاید ترور، دستاویزی برای کسب افتخار یا قماربازی برای فرار از شکست و تصویر منفی از کارنامه سیاست خارجه دورانش تلقی شود. با این حال، بررسی نظرات مردم و جامعه آمریکان نسبت به این دورویداد، نشان از آن دارد که با یک جامعه با نظرات پراکنده در این زمینه مواجه نیستیم، بلکه پیرامون هر دو موضوع، می توان گفت که الگوی مشخصی از نظرات، قابل مشاهده است.

از یک طرف، اکثریت جامعه آمریکا بر این نظر هستند که رئیس جمهور، اقدام غیرقانونی انجام داده (احتمالاً یا قطعاً) و بنابراین، به میز محاکمه کشانده شده است (۶۳٪) و از

سویی دیگر، اکثر آمریکایی ها پس از ترور سردار سلیمانی، نگران جنگ با ایران هستند (۷۳٪). نکته جالب توجه در بیان این نظرات، نحوه و چارچوب بندی عقاید، مبتنی بر یکسری از ویژگی ها در طیف ها و دسته بندی های مشخص است. چنانکه عمده نگرانی ها، غالباً از سوی دموکرات ها، افراد دارای تحصیلات تکمیلی، گروه های سنی ۱۸ تا ۲۹ سال (جوانان) و ۲۹-۴۹ سال یا رنگین پوستان با اولویت سیاهان ابراز می گردد. این نحوه ابراز نظرات به گونه ای در داخل جامعه آمریکایی بوده که خود، نوعی مرزبندی دوقطبی مهمی را شکل داده است، به گونه ای که ۶۹٪ دموکرات ها نسبت به جنگ با ایران هشدار می دهند و در طرف مقابل، ۷۱٪ جمهوری خواهان، موافق درگیری با ایران هستند.

2- <https://www.people-press.org/2020/01/22/by-a-narrow-margin-americans-say-senate-trial-should-result-in-trumps-removal/>

3- <https://today.yougov.com/topics/politics/articles-reports/2020/01/08/iran-poll>

1- impeachment



پیدا کند، نوع آرا و نظرات این جامعه نیز مشمول تغییرات خواهد بود. از همین رو، علی‌رغم همه نشانه‌های افول یک امپراتوری در جامعه آمریکا، تلاش‌های رسانه‌ها در شکل‌دهی به چنین چارچوب‌هایی، امری قابل توجه است.

شکل‌گیری یک تفکر قالبی، آن‌هم مبتنی بر ورودی‌ها و کانال‌هایی که این جامعه، روزانه از آن تغذیه می‌شود و پیام‌ها مبتنی بر یک جهان معنایی از قبل شکل‌گرفته، دائماً بازخوانی، تأیید یا رد می‌شود. هرچقدر سطح کانالیزه شدن در مسیر تفکر و توجه انتخابی جامعه تغییر

اگر قدری فراتر از آمارها و نتایج این نظرسنجی‌ها، به ماجرا نگاه کنیم و تحلیل‌هایی ناظر به واقعیت‌ها را از سوی کارشناسان (همچون بی‌اطلاعی عمده مردم از روند حوادث و اقدامات در دولت ایالات متحده، مانند ماجرای impeachment) کنار بگذاریم،